

چکیده

موضوع مورد بررسی در این نوشتار نگرانی های پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد امت اسلام می باشد.

آگاهی از نگرانی ها در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تلاش برای برطرف کردن این نگرانی ها، زمینه ی سعادت در دنیا و آخرت را فراهم می آورد. پژوهشگر با هدف الگوسازی و مدل سازی از زندگی رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) با استفاده از منابع معتبر حدیثی، سیره ی ائمه، کتب اخلاقی و برخی منابع تفسیری اقدام به این پژوهش نموده است.

هدف از انجام این تحقیق، برطرف نمودن مقداری از خلاءهای معنوی انسان مدرن با استفاده از احادیث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) میباشد. لذا این نوشتار نگرانی های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و با برشمردن نگرانی های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در جامعه ی امروزی نیز مصادیقی از آن مشاهده می شود و جامعه ی بشریت با آن دست و پنجه نرم می کند، در نهایت به این نتیجه رسیده است که با توکل به خدا و سرمشق قرار دادن احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می توان بسیاری از ناهمواری های زندگی را بر طرف کرد..

واژگان کلیدی: پیامبر اسلام، بیم ها، نگرانی، دغدغه، سیره، سخن.

طرح بحث

انسان های خوب که به کردار خود آگاهند، با قلبی آرام، این دنیا را وداع می گویند. آنان تعبیرات دل انگیز و روح پرور خداوند متعال را که حاکی از لطف و صفا و آرامش است، را درک کرده اند. اما با چنین روح آرام و مطمئنی که در معصومین و بزرگان دین مشاهده می شود، آنان نیز همانند دیگر انسان ها درباره ی آینده ی فرزندان و کسانی که برای آنان زحمت کشیده اند، نگرانی هایی دارند و این نگرانی ها را به صورت نصیحت و وصیت ابراز نموده اند. از همین رو، توصیه ها و سفارش های پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نشان از دغدغه ها و نگرانی های آن حضرت، نسبت به بازماندگان و آیندگان دارد.

در حال حاضر در روزگاری زندگی می کنیم که بحران کمبود معنویت و دوری از احادیث پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) همچون ابر سیاه به جامعه ی بشریت سایه افکنده و تاریکی های غفلت از حقایق، روح انسان را فرا گرفته است. هر کس به دنبال راهی است که خود را از این بحران و تاریکی نجات دهد و به سمت نور و روشنایی حرکت کند.

اما به دلیل نشناختن و پیدا نکردن آن راه صحیح و از طرفی هم وسوسه های شیطان درونی و بیرونی، باعث شده است تا در دام و گرداب های دیگری دچار شود و در اصطلاح از چاله به چاه بیفتد و در نتیجه دچار سردرگمی شده و احساس پوچی به او دست دهد.

در این میان، تابیدن نوری از انوار هدایت و حقیقت می تواند به زندگی انسان روشنایی دهد و در این ظلمات و تاریکی های دنیا که در واقع خود انسان مسبب آن است، راه صحیح زندگی را به او نشان دهد.

در میان سخنان پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) به روایاتی از ایشان برمی خوریم که نشان دهنده ی نگرانی حضرت درباره ی امتشان پس از رحلت است. این نگرانی ها، طیف



وسعی دارد و شامل حیطه های گوناگون بشری می شود.

هدف از بازخوانی این روایات، توجه دوباره به نقاط آسیب‌زا در تکمیل دینداری است نه القای ناامیدی به پیروان حضرتش. این مسأله در سیره و احادیث ایشان بسیار به چشم می خورد که برخی با عبارات «اخوف ما اخاف علیکم» و برخی دیگر با مضامین دیگری آمده است. در این نوشتار، مهمترین بیم‌ها و نگرانی های آن حضرت در مسائل اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) نگرانی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد عقیدتی

در دین مبین اسلام، مباحث اعتقادی بسیار پر اهمیت می باشند. بررسی آیات و روایات، نشانگر عمق دقت این آیین در زمینه اصول اعتقادی است و عدم توجه به آن، انسان را از رسیدن به مقامات عالی انسانیت باز داشته، خسران دنیا و آخرت را بدنبال دارد.

دغدغه ی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این است که مبادا در جامعه ی اسلامی چنین اصولی به فراموشی سپرده شود و موجبات انحطاط جامعه را به وجود آورد. برخی از نگرانی های پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه عبارتند از:

۱. هواپرستی به جای خداپرستی

تجربه ی جهان اسلام مانند جنگ احد و نیز ماجرای اندلس و دیگر قضایای تاریخی نشان می دهد، هر جا مسلمانان در پی هواپرستی، خواسته های نفسانی و شهوت های شکم و شرمگاه رفته اند، روح ایمان و قدرت دینداری آن ها هم به تدریج رو به افول نهاده و بستری برای نفوذ دشمنان فراهم آمده است.

در دوره ی کنونی، سرمایه گذاری اصلی دشمنان، ترویج و اشاعه ی فساد و فحشا از راه شبکه



های ماهواره ای، اینترنت، پخش لوح های فشرده، نوشته ها و مجلاتی با رنگ و بوی جنسی است تا بمب جنسی و تشویق به ارضای آن از شیوه های نادرست را کار بگذارند.

خطر چنین مسئله ای، به مراتب بیش از جنگ نظامی است؛ زیرا موجی از غفلت، سستی و بی اعتنایی را در جامعه رقم می زند و حریم های خانوادگی و اجتماعی را به خطر می اندازد.

در این باره توجه به سخنان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) می تواند راهکارهای مناسب رویارویی با چنین مسئله ای را به هر کدام از پیروان ایشان بدهد. در این زمینه احادیث بسیاری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است که به برخی اشاره می گردد. (محدثی، ۱۳۸۰، شماره ۵۰، ص ۲۰)

«أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثًا: ضَلَالَةَ الْأَهْوَاءِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ فِي الْبُطُونِ وَ الْفُرُوجِ وَ الْغَفْلَةَ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۲)

از سه چیز برای امت خود بیمناکم: گمراه کنندگی هواهای نفسانی و شکم بارگی و شهوت رانی و غفلت پس از شناخت.

«إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَا الْهَوَى فَاِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَ أَمَا طُولُ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۷۵، ح ۳)

«بدانید آنچه مرا بیش از همه نگران اتم کرده، دو خصلت است: خواهش های نفس و آرزوی دراز؛ زیرا هوا و هوس، آدمی را از حق بازمی دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می برد.»

«أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثٌ: ضَلَالَةُ الْأَهْوَاءِ وَ اتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ فِي الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ، وَ الْعُجْبُ»؛ (سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۰۳)

«سه چیز مرا بیش از هر چیزی نگران اتم کرده است: گمراه کنندگی خواهش های نفسانی، شکم بارگی و شهوت رانی و خودپسندی.»



۲. باورهای سست

انسان با یقین به مقصد می رسد و مشکلات ناشی از آن را به جان می خورد، اما زمانی که یقین وجود نداشته باشد و باورهای ضعیف و سست بر او حکومت کند، بدیهی است که با برخورد به کوچک ترین مانع و مشکل، مسیرش را تغییر می دهد. کم نیستند کسانی که به دلیل ضعف های عقیدتی و باورهای ضعیف، نه تنها دست از مسلمانی شسته اند، بلکه در زمره ی اسلام ستیزان درآمدند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از باورهای ضعیف امت، ابراز نگرانی می کند و آن را مایه ی بروز دیگر مشکلات می داند:

«ما أخافُ على أمتي إلاَّ ضعفَ اليقينِ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۳۳۲) من برای امت خود از

چیزی، جز سستی یقین نمی ترسم.

«إِنَّ مِنْ ضَعْفِ الْيَقِينِ أَنْ تُرْضِيَ النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْ تَحْمَدَهُمْ عَلَى رِزْقِ اللَّهِ تَعَالَى وَ

أَنْ تَدْمَهُمْ عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكِ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۸۵) از سستی یقین است که با به خشم آوردن خداوند متعال مردم را خشنود گردانی و برای روزی، که خداوند متعال به تو داده است، آنان را بستایی و برای آن چه خداوند به تو نداده است، مردم را نکوهش کنی. (سلیمان زاده، ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹)

۳. امامت و مسأله ی نگرانی از آینده امت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صراحت بیان داشته است که پس از وی پیامبری نیست و عصر وحی و دوران ارتباط مستقیم زمین و آسمان بریده می شود، سرنوشت امت چه می شود؟ آیا به تنهایی کتاب و سنت می تواند مردم را به سر منزل مقصود برساند؟ اسلام به عنوان کامل



ترین مجموعه ی هدایتی آسمان به جایی رسیده است که مفهومی جز گسست ارتباط مستقیم آسمان و انسان نیست.

با رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) وحی آسمانی به پایان خواهد رسید و ارتباط میان خدا و انسان در این شکل و قالب قطع می شود. اگر اینگونه شود، دست ابلیس و شیطان برای گمراهی بشر باز خواهد شد و دوباره انسان در دام شیطانی می افتد که سوگند خورده است تا روز موعده، انسان را گمراه کند و از راه دور سازد.

از آنجایی که امر رسالت، با معرفی وصی شایسته، کامل می شد و تداوم پیدا می کرد، حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) با دستور مستقیم خداوند که فرمود:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده، ۶۷) جانشین پس از خویش را به مردم

معرفی کردند.

اما در اینجا، نگرانی ایشان درباره ی جان خودشان در راه معرفی حضرت علی(علیه السلام) به عنوان جانشین است.

به همین خاطر، خداوند به ایشان وعده می دهد که: «وَاللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (مائده، ۶۷) خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.

البته تنها نگرانی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم)، برای جان خویش نبود؛ بلکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به این که قریش، پس از رحلت آن حضرت با علی (علیه السلام) و مسأله ی خلافت چه خواهند کرد و مظلومیت این خاندان و کنار زدن امیرمؤمنان(علیه السلام) از صحنه ی سیاست و حق قطعی و مشروعش، بارها اظهار نگرانی کرده بودند و وقایع بعدی را به حضرت علی(علیه السلام) یادآور شده بودند.

ایشان با پیش بینی این وقایع، به حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام)، می فرمودند: بیم آن



دارم که اگر بر سر خلافت و حق خویش با آنان به کشمکش بپردازم و منازعه کنی، تو را بکشند و آنچه بر او نسبت به آن بیم دارم، آن است که قریش پس از من با او از در نیرنگ و حيله در آیند. (مجلسی، ج ۴۰، ص ۲۹ و ۳۵)

۴. مظلومیت اهل بیت:

در تاریخ، بارها و بارها دیده شده است که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با دیدن اهل بیت، به سختی گریستند و وقتی از علت گریه ی ایشان جويا می شدند، می فرمودند: «برای فرزندانم گریه می کنم برای آنچه که اشرار امت من، پس از من، برای آن ها ایجاد می کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۴۸)

ایشان که از کینه ها و حسادت های قریش و دیگر اقوام آگاه بودند، بارها تأکید کردند: «بیم من از پیشوایان و زمامداران گمراه گر و ریخته شدن خون خاندانم پس از من است.» (محدثی، ۱۳۸۰، شماره ۵۰، ص ۲۰)

۵. سران بی کفایت

زمانی که جامعه ی اسلامی و زمام مسلمانان به دست سران بی کفایت و شهوت مدار بیفتد، باید شعار امام حسین (علیه السلام) خطاب به یزید را تکرار کنیم که «علی الاسلام السلام» در مقابل، وجود رهبران شایسته ای همچون بنیان گذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری، جامعه ی اسلامی را به سوی تعالی و سعادت پیش می برد. در ادامه سخنان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی سهم سران در موفقیت و شکست جامعه ی اسلامی را مرور می کنیم.

«إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَلَى أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ، غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَقَصُرَتْ أَعْمَارُهَا وَ لَمْ تَرِحْ تُجَارُهَا، وَ لَمْ تَزَكْ ثِمَارُهَا، وَ لَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا، وَ حُبِسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَ سُلِّطَ عَلَيْهَا شِرَارُهَا»

(کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۱۷، ح ۵۳)



هرگاه خداوند بر امتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند، قیمت ها در آن بالا می رود، آبادانی اش کاهش می یابد، بازرگانانش سود نمی برند، میوه هایش رشد نمی کنند، جوی هایش پُر آب نمی گردند، باران بر آن فرو نمی بارد و بدانند بر آن سلطه می یابند.

«عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْقِهِ: عَدْلُ سُلْطَانِهِمْ، وَ رُخْصُ أَسْعَارِهِمْ. وَ عَلَامَةُ غَضَبِ اللَّهِ تَبَارَكَ

وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ: جَوْرُ سُلْطَانِهِمْ، وَ غَلَاءُ أَسْعَارِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶۲، ح ۱)

نشانه ی خشنودی خداوند در میان آفریدگانش چنین است: دادگری حکمرانشان و کاهش قیمت هایشان و نشانه ی خشم خدای تبارک و تعالی بر آفریدگانش این است: بیدادگری حکمرانشان و افزایش قیمت هایشان.

«أَذْكُرُ اللَّهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي، إِلَّا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَأَجَلٌ كَبِيرُهُمْ، وَ رَحِمٌ

ضَعِيفُهُمْ، وَ وَقَرٌ عَالِمُهُمْ، وَ لَمْ يَضُرَّ بِهِمْ فَيْدَلُّهُمْ، وَ لَمْ يَقْفِرْهُمْ فَيَكْفِرْهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۰)

«آن کس را که پس از من بر امتم حکمرانی یابد، به یاد خدا توصیه میکنم که حتماً بر جماعت مسلمانان مهر ورزد؛ بزرگ سالانشان را گرامی شمارد، بر ناتوانانشان رحمت آورد، دانشمندانشان را بزرگ دارد و آنان را زیان نرساند که خوارشان سازد و به فقر دچارشان نکند که کافرشان کند.» (سلیمان زاده، ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹)

ب) نگرانی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد اخلاقی

در دین مبین اسلام، به اخلاق توجه خاصی شده است. بررسی آیات و روایات، نشانگر عمق دقت این آیین در زمینه های اخلاق فردی، اجتماعی است و عدم توجه به آن، انسان را از رسیدن به مقامات عالی انسانیت باز داشته، خسران دنیا و آخرت را بدنبال دارد.

دغدغه ی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این است که مبدا در جامعه ی اسلامی



چنین اصولی به فراموشی سپرده شود و موجبات انحطاط اخلاقی جامعه را به وجود آورد. برخی از این اصول اخلاقی عبارتند از:

۱. حب دنیا

دنیا در نگاه دین، جایگاه تجارت اولیای الهی و مزرعه ای برای کاشت محصول برای برداشت آن در آخرت است. جلوه ها و لذت های گوناگون و رنگارنگی هم دارد. دنیا به خودی خود ناپسند نیست، بلکه پیامدهای ناشی از زیاده روی در دنیاخواهی و نیز برخورداری از رفاه، غفلت آفرین است که مشکلات دیگری را پدید می آورد. (سلیمان زاده، ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹)

در نگاه عمیق پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به هشدارهایی برمی خوریم که ما را از غرق شدن در مسایل مادی و جلوه های فریبای دنیا بازمی دارد تا با توجه به جنبه های فرامادی، لذت بیشتری، حتی از نعمت ها و خوشی های زندگی دنیایی داشته باشیم. به بخشی از سخنان حضرت در این باره اشاره می کنیم.

«لَأَنَا لِفِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ، إِنَّكُمْ ابْتَلَيْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبَرْتُمْ، وَإِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصْرَةٌ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۳۳)

راستی که من از فتنه ی خوشی برای شما بیمناک ترم تا فتنه ی سختی. شما به فتنه ی سختی درافتادید و صبر کردید، اما دنیا شیرین و فریباست.

«شِرَارُ أُمَّتِي: الَّذِينَ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَغَدُوا بِهِ، هِمَّتُهُمْ أَلْوَانُ الطَّعَامِ وَالْوَانُ الثِّيَابِ، يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷) بدان امت من آنانند که در نعمت زاده می شوند و با آن بار

می آیند و همت شان صرف غذاها و جامه های رنگارنگ می گردد و در سخن گفتن مراعات دیگران را نمی کنند.



«إِذَا عَظَّمْتُ أُمَّتِي الدُّنْيَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ» (حمدان، بی تا، ج ۱، ص ۷۵)

هرگاه امت من دنیا را بزرگ بدانند، خداوند شکوه اسلام را از آنان می گیرد.

«أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي زَهْرَةَ الدُّنْيَا وَكَثْرَتَهَا» (همان، ج ۱، ص ۲۲۸) ترسناک ترین چیزی

که از آن برای امت خود می ترسم، زرق و برق و وفور متاع دنیاست.

۲. تبعیت از هوای نفس

بی شک در وجود انسان، غرایز و امیال گوناگونی همچون خشم و غضب، علاقه به خوبستن، علاقه به مال و زندگی مادی و امثال اینها وجود دارد که همه ی آن ها برای ادامه ی حیات او ضرورت دارد و بدون تردید، دستگاه آفرینش همه ی این ها را برای همان هدف تکاملی آفریده است.

اما مهم این است که گاه این غریزه ها از حد تجاوز می کنند و از صورت یک ابزار مطیع در دست عقل در آمده و بنای طغیان و یاغی گری می گذارند، عقل را زندانی کرده و بر کل وجود انسان حاکم می شوند و زمام اختیار او را در دست می گیرند.

این همان چیزی است که از آن به هواپرستی تعبیر می کنند که از تمام انواع بت پرستی خطرناک تر است، بلکه بت پرستی نیز از آن ریشه می گیرد.

تبعیت از هوای نفس، از دیگر دغدغه های رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برای امت پس از خود است. هواپرستی عامل بیگانگی از همه ی اصول اخلاقی است و عامل مهمی است تا انسان را در خوبستن فرو برده و از همه ی حقایق جهان دور سازد.

یک انسان هواپرست جز به اشباع شهوات خویش نمی اندیشد. آگاهی، گذشت، ایثار، فداکاری و

معنویت برای او مفهومی ندارند.

بی جهت نیست که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بت هوای را بزرگ ترین و



بدترین بت ها شمرده است، آن جا که می فرماید:

«مَا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْ إِلَهٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ هَوَى مُتَّبِعٍ» (محمدی ری

شهری، ۱۳۷۷، ج ۴ ص ۳۴۷۸)

در زیر آسمان هیچ بتی بزرگ تر در نزد خدا، از هوی و هوسی که از آن پیروی کنند، وجود ندارد.

افرادی را می بینیم که چوب یک ساعت هواپرستی را تا آخر عمر خورده اند! جوانانی را سراغ داریم که بر اثر پیروی از هوای نفس، چنان در دام اعتیادهای خطرناک و انحرافات جنسی و اخلاقی گرفتار شده اند که تبدیل به موجودی زبون، ناتوان و بی ارزش گردیده و تمام نیروها و سرمایه های خویش را از کف دادند.

۳. آرزوهای طولانی

بدون شک امید و آرزو و یا به تعبیر عرب «امل»، عامل حرکت چرخ زندگی انسان ها است، که حتی اگر یک روز از دل های مردم جهان برداشته شود، نظام زندگی به هم می ریزد و کمتر کسی دلیلی بر فعالیت و تلاش و جنب و جوش خود پیدا می کند.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَأُؤْمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا»

(دیلمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۳، ص ۵۸۸)

امید مایه ی رحمت امت من است، اگر نور امید نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی نهالی نمی کاشت که اشاره به همین واقعیت است.

ولی همین عامل حیات و حرکت اگر از حد بگذرد و به صورت آرزوی دور و دراز در آید بدترین



عامل انحراف و بدبختی خواهد بود و درست همانند آب بارانی که مایه ی حیات است. اما اگر این آب از حد بگذرد، مایه ی غرق شدن و نابودی خواهد شد. (سبحانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶۲)

آرزوها و امیدهای دور و دراز در میان امت، یکی از عوامل هلاکت و نابودی است که یکی از نگرانی های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را تشکیل داده بود. چرا که چنین آرزوهایی انسان را به خود مشغول کرده و در عالمی از تخیل غرق می سازد، به گونه ای که انسان از زندگی و هدف نهایی اش به کلی بیگانه می شود. چنان که می فرماید:

«أَلَا إِنَّ أَخْوَفَ مَا يُخَافُ عَلَيْكُمْ خَصْلَتَانِ اتَّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتَّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ طُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْآخِرَةَ» (حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۲۲۴) همانا بدترین چیزی که بر شما بیمناکم دو تاست: پیروی کردن هوا و درازی آرزو؛ زیرا که پیروی هوا مانع از حق می شود، درازی آرزو آخرت را از خاطرتان می برد.

۴. ریا

ریاکاری یکی از ابزارهای مهم شیطان برای گمراه ساختن انسان ها است. بررسی آیات و روایات حکایت از آن دارد که ریاکاری، تخریب کننده ی فضایل اخلاقی و عاملی برای پاشیدن بذر رذایل در روح و جان انسان ها است.

ریاکاری اعمال را توخالی و انسان را از پرداختن به محتوا و حقیقت عمل باز می دارد. هنگامی که جامعه ای به ریاکاری و تظاهر عادت کند همه چیز او اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست، بهداشت، نظم و نیروهای دفاعی از محتوا تهی می شود و همه ی مردم به ظاهرسازی قناعت کرده، به جای خیر و سعادت جامعه، به سراغ چیزهایی می روند که ظاهر جالبی داشته باشد.

به یقین این طرز فکر و کار، ضربات مهلکی بر جامعه وارد می کند که بر هوشمندان مخفی و



پنهان نیست. به همین علت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از ریا به شرک خفی تعبیر کرده و از غوطه ور شدن جامعه ی اسلامی به آن اظهار نگرانی می فرماید:

«إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ قَالُوا وَمَا الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هُوَ الرِّيَاءُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جَازَى الْعِبَادَ بِأَعْمَالِهِمْ أَذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تُرَاءُونَ فِي الدُّنْيَا فَانظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمُ الْجِزَاءَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۰۳، ح ۵۰)

از چیزی که بیشتر بر شما ترسانم شرک اصغر است. عرض کردند: شرک اصغر چیست؟ فرمود: ریا است. خداوند با عزت و جلال هنگامی که بندگان را به کردارهای ایشان پاداش می دهد، به ریاکاران می فرماید: نزد کسانی که در اعمال خود برای ایشان ریا می کردید بروید و ببینید آیا نزد آنها جزا و پاداش اعمال خود را می یابید؟ (سلیمان زاده، ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹)

۵. نفاق

یکی از نگرانی های حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، تغییر در کانون هدایت مسلمانان است. برخی دین شناسان بیشترین سهم را در این مشکل دارند؛ همانانی که از دین داری بهره ی چندانی نبرده و دین را وسیله ی کسب معاش و فزون خواهی های مادی خود قرار داده اند. همچنین زمانی که قرآن به نادرستی تأویل شود و شرایط مادی بر زندگی معنوی غلبه کند، باز مسیر هدایت دچار ناهمواری هایی خواهد شد.

حضرت با هشدار نسبت به این مسأله، همگان را به توجه نسبت به این آسیب مهم، فرا می خواند.

«أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةٌ عَالِمٍ، أَوْ جِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (موسوی، بی تا، ص ۱۶۳، ح ۲۱۴) آنچه بیش از هر چیز درباره ی امتم نگران کننده است، سه چیز است: لغزش عالم یا مجادله ی منافق به وسیله ی قرآن یا دنیایی که



شما را قربانی خود می کند. پس از دنیا بر خویش بترسید.

منافقان در دنیای کنونی، با دسترسی به غول های رسانه ای و استفاده از فنون اطلاع رسانی جدید، برای جامعه ی دینی خطرات بیشتری خواهند داشت که هشجاری بیشتر و رویارویی مناسب با خود را می طلبد. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی منافقان کاربرد، چنین هشدارهایی داده اند:

«إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي كُلُّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص

۱۳۱) بیشترین ترس من برای شما پس از خودم، از منافقان زبان باز است. (سلیمان زاده، ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹)

۶. بی توجهی به نیازمندان

یکی دیگر از نگرانی های نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فراموش شدن مستمندان و نیازمندان جامعه ی اسلامی است. در جای جای دستورات روحبخش دین اسلام کمک به مستمندان، یک اصل مورد توجه است.

دغدغه ی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که در جامعه ی اسلامی فقرا و مستمندان فراموش شوند و کسی آنان را یاری نکنند.

آن بزرگوار می فرمود: «أَخَافُ أَنْ يُفْتَحَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا بَعْدِي فَيُنْكَرَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَيُنْكَرَ كُمْ أَهْلُ السَّمَاءِ عِنْدَ ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)

من بیم دارم که دنیا بر شما گشوده شود و بعضی از شما که توانگر می شوید، بعضی دیگر را که فقیر می باشند، نشناسید. در آن وقت اهل آسمان هم منکر شما شده، شما را نخواهند شناخت و در نزول رحمت یا دفع و رفع بلا و نعمت، جانب شما را اجابت نخواهند کرد.



ج) نگرانی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد اجتماعی

از آنجا که دغدغه های پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) جهانی بود، مهمترین سخنان و اهداف بعثت را بیان نمودند تا مردم را با نگرانی های خویش در بعد اجتماعی آشنا نمایند، ترس ایشان آن است که مردم به عصر جاهلیت برگردند و دستورهای اسلام را نادیده بگیرند. در این زمینه به برخی از نگرانی های ایشان اشاره می گردد:

۱. لغزش در فتنه ها و تفرقه

منحرف ساختن افراد از دین خدا به واسطه ی شبهه افکنی و تضعیف بنیان های اعتقادی، یکی از وسوسه هایی است که متأسفانه در سال های اخیر شتاب بیشتری یافته است و به یقین این وسوسه ها نوعی فتنه برای اختلاف و پراکندگی و تزلزل مبانی عقیده ای مسلمانان بخصوص مؤمنین است.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«لَيَغْشَيْنَّ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا، وَيُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيحُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷)

پس از من، فتنه هایی همچون پاره های شب تار، اتمم را فرا می پوشاند، چندان که آدمی بر اثر آن ها شب مؤمن است و روز کافر؛ روز مؤمن است و شب کافر. مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا می فروشند.

باید دانست که آثار منفی فتنه و آشوب و زیان های آن، بیش از چیزهای دیگر به مردمان آسیب می رساند؛ زیرا فتنه ها (آشوب های فکری، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)، مردم را دچار حیرت و سرگستگی می کنند و قدرت تشخیص را از آنان می گیرد، از این رو نمی توانند سخن حق گوینان را از ادعای باطل سرایان بازشناسند.



در جنگ، دوست از دشمن و حق از باطل تشخیص داده می شود و شخص می داند که آن کسی که در برابر وی ایستاده، دشمن و در طریق باطل است.

لیکن فتنه چنین نیست. در جنگ امکان آن هست که شخص در راه حق کشته شود، که در این صورت، شهادت است و سعادت؛ ولی در فتنه ممکن است در راه باطل به زندگی ادامه دهد که در این صورت، سقوط است و شقاوت. همچنین آتش فتنه بیشتر با خلاف گویی، ظاهرسازی، غفلت گستری، زبان بازی، دروغ فکنی، و ایجاد بحران آفرینی سیاسی و اختلاف های گمراه کننده شعله ور می شود.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم)فرمودند:

«ثَلَاثٌ أَحَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْهُدَى وَ مَضَلَّتْ الْفِتْنُ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَالْفَرَجُ»

(طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۷) سه چیز است که پس از خود به امت از آنها می ترسم: گمراهی بعد از معرفت، لغزش ها در فتنه ها، و شهوت شکم و فرج.

امت اسلامی تا زمانی که با هم باشند، تجربه ی بدر و خیبر و دیگر تجربه ها را حتی با شمار اندک تکرار خواهند کرد.

از این رو، همه ی همت دشمنان جامعه ی اسلامی، زدودن اتحاد به شکل های گوناگون است. این نگرانی از نگاه و سخن پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) پیداست و ما را از بروز چنین اتفاق های تلخی برحذر می دارد.

وجود بهانه های شخصی مانند حسادت، کینه توزی، ترک خویشاوندی و بهانه های فکری و عقیدتی مانند قومیت گرایی، دل سپردن به تبلیغات دشمن، پدید آمدن فرقه های انحرافی و دیگر عوامل، می تواند به روح اتحاد امت اسلامی آسیب برساند و عرصه را برای جولان کافران و دشمنان فراهم سازد. به برخی نگرانی های حضرت در این باره می پردازیم:



«تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثِ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ عَلَى الْحَقِّ لَا يَنْقُصُ الْبَاطِلُ مِنْهُ شَيْئًا يَحِبُّونِي وَ يَحِبُّونَ أَهْلَ بَيْتِي، مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الذَّهَبِ الْجَدِيدِ؛ كُلَّمَا أَدْخَلْتَهُ النَّارَ فَأَوْقَدَتْ عَلَيْهِ لَمْ يَزِدْهُ إِلَّا جُودَةً، وَ فِرْقَةٌ عَلَى الْبَاطِلِ لَا يَنْقُصُ الْحَقُّ مِنْهُ شَيْئًا... وَ فِرْقَةٌ مُدْهَدَهَةٌ عَلَى مِلَّةِ السَّامِرِيِّ لَا يَقُولُونَ: لَا مَسَاسَ، لَكِنَّهُمْ يَقُولُونَ: لَا قِتَالَ! إِمَامُهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قَيْسِ الْأَشْعَرِيِّ» (عكبرى بغدادى، (شيخ مفيد)، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰، ح ۳)

امت من به سه فرقه تقسیم می شود: فرقه ای بر حق، که باطل کمترین چیزی از آن نگاهد، من و اهل بیت مرا دوست می دارند. حکایت آنان حکایت طلای نابی است که هر چه بیشتر آن را در آتش نهی و آتش را شعله و رتر سازی، جز بر نابی آن افزوده نشود و فرقه ای بر باطل که حق اندک چیزی از آن نگاهد... و فرقه ای مذبذبند و بر آیین سامری، اما نمی گویند: لا مَسَاسَ (به من دست نزنید)، بلکه می گویند: لا قتال (جنگ، نه). پیشوای آنان عبدالله بن قیس اشعری است.

۳. واژگونی ارزش ها و استحاله ی فرهنگی

از نگرانی های پرننگ و مهم در سخنان معمار بزرگ اسلام، بی رنگ شدن ارزش ها و استحاله ی فرهنگی است. حضرت از روزهایی سخن می گویند که مسلمانان به دلیل کاهلی و جهالت و نیز غفلت از توطئه های دشمنان، هم رنگ آنان می شوند و ارزش های گهربار دینی را به فراموشی می سپارند.

فراگیری چنین فضایی در جامعه ی اسلامی، زمینه ی سرنگونی و تباهی را فراهم می سازد و در برابر پیشرفت های آنان سدّ محکمی به شمار می آید. زمانی که حلال خدا، حرام و حرام او حلال شمرده می شود، نتیجه ای جز ذلت و نابودی در پی ندارد.

هنگامی که مسلمان از هویت واقعی خود فاصله بگیرد، به سوی هویت های پوشالی خواهد رفت که بین خود و آن فرهنگ، تناسبی نمی بیند و حیرت و سرگردانی روحی، وجودش را تسخیر می



کند.

روی دیگر سکه این است که هر کدام از مسلمانان، به این آسیب ها توجه کنند و دین خود را با روش های مطمئن، از آفت ها حفظ سازند. در ادامه به برخی سخنان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می پردازیم:

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، يَسْمَوْنَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ، مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، فُقُهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقُهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۱۴)

به زودی روزگاری بر امت من فرا می رسد که از قرآن جز نوشته هایش و از اسلام جز نامش نمی ماند. خود را مسلمان می نامند، در حالی که دورترین مردم از اسلامند؛ مسجدهایشان (از بنا) آباد است، اما از هدایت خراب (تُهی) است. فقیهان (دین شناسان) آن روزگار، بدترین فقیهان زیر این آسمان کیبوندند، فتنه و گمراهی از آن ها بر می خیزد و (باز) به آن ها برمی گردد. این حدیث گرانبها نیز به نگرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه اشاره ی ویژه ای شده است.

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ، وَ تَحْسُنُ فِيهِ عِلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا، لَا يَرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ، يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً، لَا يَخَالِطُهُمْ خَوْفٌ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بَعِاقِبٍ فَيَدْعُوْنَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۸، ص ۱۳۰)

به زودی زمانی بر امت من می آید که درون هایشان پلید است و ظاهرشان را نیکو می سازند و انگیزه شان در این ظاهرسازی طمع دنیاست، نه کسب آنچه (از رضایت و ثواب) نزد پروردگارشان، خداست. دینشان ریایی است و خوفی (از خدا) با وجود آن ها آمیخته نیست. خداوند کیفری از خود را شامل حال همه ی آن ها می کند و آن ها او را مانند دعای غریق می خوانند،



اما دعایشان به اجابت نمی رسد.

باتأمل در این حدیث شریف درمی یابیم که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به واژگونی ارزش ها نگرانی ویژه ای داشته اند.

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۵۷) زمانی بر مردم می آید که اگر دنیای مرد به سلامت باشد، از بین رفتن دینش برای او اهمیتی ندارد.

۴. پول پرستی و درآمدهای نامشروع

یکی از نگرانی های مهم پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی ما، توجه افراطی به پول، دارایی و ثروت اندوزی است. زیاده روی دربارہ ی این مسأله، سبب پررنگ شدن جنبه های اقتصادی و رنگ باختن دیگر جنبه های زندگی مانند رشد اخلاقی، توجه به تربیت، گسترش معنویت در جامعه و مانند آن می شود.

بخش تأسف بار دیگر این مسأله، گرایش گروهی از مسلمانان به درآمدهای نامشروع و ثروت های بادآورده است که گرایش به ربا و دیگر کسب های حرام، از آن شمارند. سخنان حضرت را که بازگوکننده ی این نگرانی مهم است، با هم مرور می کنیم:

«إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً وَفِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۳۳)

برای هر امتی، آزمایشی است و وسیله ی آزمایش امت من، دارایی است.

«إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَ الرَّبَا»

(کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق.، ج ۵، ص ۱۲۴)

بیشترین چیزی که پس از مرگم، از آن بر امتم بیم دارم، این کسب ها و درآمدهای حرام و

شهوت ناپیدا و رباخواری است.



ناگفته پیداست که حضرت با تلاش برای تحقق زندگی سالم و کسب حلال، مخالف نبود، بلکه جزو مشوقان به شمار می آمد تا مسلمانی دست نیاز به دیگران به ویژه غیرمسلمانان دراز نکند. نکته ی مهم مراعات حریم های شرعی در درآمد و نیز وابسته نشدن به مادیات است.

۵. مصرف مواد مخدر

مصرف مواد مخدر، یکی از زمینه های هدر رفتن انرژی و توان افراد است. زمانی که این مواد در جامعه ای پویا و هدفمند گسترش یابد، مهم ترین هدف آن، دور کردن افراد از رسیدن به مقاصد عالی است.

پدیده ای که امروزه به خوبی در جامعه نمود یافته است. دین اسلام با هر ماده ای که خرد و اندیشه ی آدمی را ولو برای چند لحظه از او بگیرد، مخالفت کرده و آن را حرام شمرده است. نگرانی دیگر پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، روی آوردن جامعه ی اسلامی به مواد مخدر و الکل است. این نگرانی را از سخنان حضرت جویا می شویم:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَ كُلُّ مُخَدَّرٍ حَرَامٌ؛ وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ قَلِيلُهُ، وَ مَا خَمَّرَ الْعَقْلَ فَهُوَ

حَرَامٌ» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۵۵)

بدانید هر مست کننده ای، حرام است؛ هر ماده ی تخدیرگری، حرام است و آنچه بسیارش مست کند، اندک آن نیز حرام است و آن چه عقل را زایل می کند، حرام است.

«سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَأْكُلُونَ شَيْئًا اسْمُهُ الْبَنْجُ، أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ، وَ هُمْ بَرِيءُونَ مِنِّي» (نوری

طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۷، ص ۸۸)

زمانی فرا رسد که امت من چیزی به نام بنگ مصرف می کنند. من از این افراد بیزار و به دورم و آنان از من دورند.



۶. دشمن داخلی و خارجی

با اعلام جانشینی و ابلاغ اتمام رسالت، دشمن داخلی هر چند که در آغاز سکوت کرد و حتی همراه با مردم شد، ولی از همان جا نقشه و بذر توطئه را پاشیدند تا پس از رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)، آن را درو کنند. همراهی ظاهری با مردم و اعلام وفاداری با جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نه تنها ضروری بود، بلکه چاره ای جز آن نبود.

بنابراین مخالفان ولایت و خلافت امام علی(علیه السلام) می بایست از راه های دیگری اقدام می کردند. این زمان از این جهت آبستن حوادث و رخدادهای مهمی است. آخرین روزهای زندگی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) شاید از این لحاظ مهم ترین و تأثیرگذارترین روزهایی بود که تاریخ اسلام به خود دیده است.

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) شاهد توطئه های مکرر کسانی است که خواهان به دست گیری حکومت و خلافت پس از آن حضرت هستند.

برخی از زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) که با برخی از جناح های مخالفان خلافت علوی، رابطه ی خویشی و خویشاوندی دارند، می کوشند تا جریان امور را به نفع جناح خود تغییر دهند. توطئه ها به داخل بیت و خانواده نیز کشیده شده است.

خداوند در آیات قرآن این مسأله را واکاوی می کند و از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می خواهد با شدت این جریان را سرکوب کند. دست های توطئه هر کجا هست، می بایست قطع و بریده شود.

بنابراین فرقی نداشت که این توطئه گران در خانه ی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) مستقر باشند و یا در جایی دیگر توطئه کنند.

با این حال آگاهان به مسایل سیاسی و تحولات و رخدادها، با هرگونه همراهی و بیرون رفتن



از متن رخدادها ابا داشتند. بازیگران صحنه ی سیاسی می کوشیدند نه تنها خود را در مرکز حادثه قرار دهند، بلکه در نزدیکی و اطراف رهبری، نقش خود را به عنوان یک فعال عرصه ی رهبری تثبیت نمایند. از این رو هرروزه به سراغ پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می شتافتند و با آن که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهند همگان برای جنگ و جهاد آماده و به سوی مرزها بروند، اینان تخلف می ورزیدند.



نتیجه بحث

انسان با آگاهی از نگرانی ها در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تلاش برای بر طرف کردن این نگرانی ها می تواند زمینه سعادت خود و اطرافیان را در دنیا و آخرت فراهم سازد که این نگرانی ها را می توان در سه بخش به طور مختصر بررسی کرد که شامل نگرانی ها در بعد اعتقادی است که خود نیز زیر مجموعه هایی از قبیل هواپرستی، باورهای سست، امامت و نگارنی از آینده و ... می شود که انسان می تواند با برطرف کردن این نگرانی ها اعتقادات خود را محکم تر سازد.

نگرانی های پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد اخلاقی شامل حب دنیا، هوای نفس، آرزوهای طولانی و ریا می باشد. از آنجا که انسان ها به دنیا و زیبایی های آن علاقه دارند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از این مسأله که حب دنیا می تواند انسان ها را از یاد آخرت



غافل سازد نیز نگران بودند. انسان می تواند با آگاهی از نگرانی های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بعد اخلاقی، این حب دنیا را در خود کاهش دهد و در واقع دنیا را پلی به سوی آخرت قرار دهند.

نگرانی هایی که در بعد اجتماعی وجود دارد شامل لغزش در فتنه ها، تفرقه، بی رنگ شدن ارزش ها، پول پرستی، مواد مخدر و دشمن داخلی و خارجی می شود. متأسفانه در جامعه اسلامی با ورود رسانه های بیگانه و ورود جوانان به فضاهای مجازی و دور شدن از فضای حقیقی مشکلات فراوانی بوجود آمده است لذا لازم است پژوهش های بیشتری در این زمینه انجام شود تا مردم هرچه بیشتر با این نگرانی ها آشنا شوند و در جهت کاهش نگرانی ها در جامعه بکوشند.



فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن نعمان بن عکبری بغدادی، محمد بن محمد، (شیخ مفید)، الامالی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴.

۲. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.

۳. حمدان، ورام ابن ابی فراس، تنبيه الخواطر، بیروت، دار التعارف و دارالصعب، بی تا.

۴. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۱۴ ه.ق.



۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۵.
۶. سیوطی، عبدالرحمان ابن ابی بکر، الدرالمشور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴ ه.ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت، دارالصلب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ ه.ق.
۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مکتبه التراث اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۱۲. موسوی، محمد بن حسین، (شریف رضی)، المجازات النبویه، قم، مکتبه بصیرتی، بیتا.
۱۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۷ ه.ق.

فهرست مقالات

۱. سلیمان زاده، اصغر، نگرانی های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعظم بر امت اسلامی، اشارات، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۴۹.
۲. محدثی، جواد، بیم ها و نگرانی های بزرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرهنگ کوثر، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۵۰.

